

## مفهوم شناسی بدگمانی

بدگمانی، نوعی بیماری فکری و اخلاقی است که به شکل منفی در فرد، کسی یا چیزی ایجاد می شود. فرد بدگمان و بدبین کسی است که برداشت های ذهنی خود را از دیگران بر وجه زشت و نادرست حمل کند، در حالی که حمل بر وجه شایسته نیز وجود دارد.<sup>۱</sup>

## سفارش قرآن و اهل بیت علیهم السلام به پرهیز از بدگمانی

بدگمانی، از بدبینی و افکار منفی فرد سرچشمه می گیرد و پی آمدهای ویرانگری برجای می گذارد، از این رهگذر، در قرآن کریم و روایت های اهل بیت علیهم السلام آشکارا مسلمانان از بدگمانی برحذر داشته شده اند، چنان که خداوند در قرآن کریم می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ. (حجرات: ۱۲)

ای اهل ایمان، از بسیاری از گمان ها دوری کنید که برخی گمان ها معصیت است.

پیامبر اسلام نیز فرمود:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى حَرَّمَ مِّنَ الْمُسْلِمِ دَمَهُ وَمَالَهُ وَأَنْ يَظُنَّ بِهِ ظَنًّا سَوِيًّا.<sup>۲</sup>

خداوند خون و مال و بدگمان شدن به مسلمان را حرام کرده است.

از امام صادق علیه السلام نیز در این باره روایت می کنند:

إِنَّ الْمَوْمِنَ أَخَ الْمُؤْمِنِ لَا يَشْتَمُهُ وَلَا يَحْرِمُهُ وَلَا يَسِيءُ بِهِ الظَّنَّ.<sup>۳</sup>

مؤمن برادر مؤمن است. او را دشنام نمی دهد، محروم نمی کند و به او بدگمان نمی شود.

بدگمانی بیجا بسان بیماری عفوئی است که اگر به موقع درمان نشود، عفونت ناشی از آن، سراسر بدن را فرا می گیرد، اعضای او را از کار می اندازد و به نابودی می کشاند. گاهی انسان بدگمان، به همه چیز و همه کس بدگمان و منفی نگر می شود. این گونه بدگمانی می تواند، پی آمدهای زیان بار اجتماعی نیز به همراه داشته باشد. به گواهی پرونده های موجود در حوزه های قضایی و مراجع انتظامی و نیز به گفته روان شناسان، در بسیاری از اقدام های جنایی و قتل ها، ردپای بدگمانی به طور آشکار به چشم می خورد.

### پیام متن:

دین مقدس اسلام، اصل را در رفتار با مردم، بر خوش گمانی قرار داده است؛ زیرا بدگمانی بیجا درباره دیگران، نوعی تحقیر شخصیت آنهاست و به پیوندهای اجتماعی نیز آسیب جدی می زند.

<sup>۱</sup> سید محمد شجاعی، بدگمانی ریشه فتنه ها و اختلاف ها، ص ۵۴.

<sup>۲</sup> حسن بن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۵۰.

<sup>۳</sup> محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۲۰۱.

## بدگمانی به خداوند

از نظر خداوند، بدگمانی که به پروردگار مهربانشان بدگمان هستند، سزاوار عذابند. در قرآن کریم در این باره آمده است:  
وَيَعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا. (فتح: ۶)

و تا مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرک را که درباره خداوند بداندیشند، عذاب کند. پیشامد بدروزگار بر آنان باد و خداوند بر آنها خشم گرفته و لعنت آورده و برایشان دوزخ را آماده ساخته و این، بد سرانجامی است.  
بنا بر این آیه شریفه، این منافقان و مشرکان هستند که به خداوند گمان بد می برند. خداوند درباره نتیجه بدگمانی بدگانش به او، در آیه دیگری فرموده است:

وَذَلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ أَرْدَاكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ. (فصلت: ۲۳)

و این گمان بدی بود که درباره پروردگارتان داشتید و همان سبب هلاکت شما شد و سرانجام، از زیان کاران شدید.  
این آیه شریفه درباره گروهی از کافران است که گمان می کردند خداوند اعمال آنها را نمی بیند و سخنانشان را نمی شنود و همین بدگمانی به خداوند، سبب ساز هلاکتشان شد.

از سوی دیگر، به همان اندازه که بدگمانی آدمی به خداوند عذاب و هلاکت او را در پی دارد، خوش گمانی او به خداوند نیز آثار بسیار مثبت و سازنده در دنیا و آخرت دربردارد، تا تا آنجا که امام صادق علیه السلام در روایتی می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِهِ، أَنْ خَيْرًا فَخَيْرٌ وَأَنْ شَرًّا فَشَرٌّ.<sup>۴</sup>

خداوند نزد گمان بنده خویش است. اگر گمان نیک ببرد، نتیجه اش نیک و اگر گمان بد ببرد، نتیجه اش بد است.  
البته بدیهی است که آن گمان نیکی مقصود است که با عمل همراه باشد.

### پیام متن:

۱. اقتضای مقام کبریایی خداوند، خوش گمانی به اوست.
۲. بدگمانی به خداوند؛ به معنای نگاه کردن به نور، از پشت شیشه تار است که فیض بی واسطه دیدن نور را از انسان می گیرد.

## بدگمانی های روا

اگر چه در آموزه های دینی، اصل بر آن است که افراد جامعه به یکدیگر خوش گمان باشند، در برخی از موارد ما را به بدگمانی و پرهیز از خوش گمانی نیز سفارش کرده اند و این نیز به دلیل روح تعادلی است که در اسلام و احکام آن وجود دارد. منظور از روا یا حلال نیز آن بدگمانی است که آثار مثبت و شایسته در پی دارد. از این رو، بدگمانی در موارد زیر بنا بر روایت های ائمه معصوم علیهم السلام و حکم عقل، روا دانسته شده است:

### ۱. بدگمانی به نفس اماره

بنا بر آیه های قرآن، نفس آدمی همواره او را به بدی فرمان می دهد. پس روا و ضروری است که انسان به نفس اماره خویشتن بدگمان باشد. در تأیید این سخن، امام علی علیه السلامی فرماید:

اعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يَمْسِي وَلَا يَصْبِحُ إِلَّا وَنَفْسُهُ ظَنُونٌ عِنْدَهُ.<sup>۵</sup>

<sup>۴</sup> فضل بن حسن طبرسی، ترجمه تفسیر مجمع البیان، ج ۲۳ و ۲۴، ص ۸۳۰.  
<sup>۵</sup> عبدالمجید معادیکخواه، فرهنگ آفتاب، ج ۲، ص ۶۸۲.

بدانید ای بندگان خدا که مؤمن (روزی را) شب نمی کند و (شب را) صبح نمی کند، مگر آنکه به نفس خود، بدگمان است. به تعبیر زیبای مولوی:

نفس ارچه که زاهد شد او راست نخواهد شد

گر راستی ای خواهی آن سرو چمن دارد

## ۲. بدگمانی به دشمنان و منافقان

دشمنان اسلام و منافقان، در هیچ دوره و شرایطی، از سست کردن پایه های اسلام و مبارزه با دین اسلام و احکام ارزشمند آن دست برنداشته اند. در این گونه وضعیت بدگمانی به آنان، رواج ضروری و عامل پایداری دین و رشد و کمال جامعه اسلامی در برابر خطرها و توطئه های آنان است. در این باره، امام علی علیه السلام در نامه ای به مالک اشتر، والی مصر دستور می دهد که پس از صلح با دشمن، همواره مراقب او باشد تا با نقشه های خیانت آمیز او غافل گیر نشود. سپس می فرماید: «فَخُذِ الْحَزْمَ وَ اتَّهِمُ فِي ذَلِكَ حُسْنَ الظَّنِّ؛ محکم کار و با احتیاط باش و به راه خوش گمانی مرو».<sup>۶</sup>

## ۳. بدگمانی در زمان فساد و فتنه

اسلام پیروانش را هنگام چیره شدن فساد و فتنه، با نشان دادن راه کارهایی مناسب، از خطر سقوط و تباهی حفظ کرده است. از جمله آن راه کارها، رفتار احتیاط آمیز با مردم و پرهیز از خوش گمانی به افراد جامعه است. بدگمانی در چنین شرایطی، انسان را از گرفتار آمدن در دام انسان های فتنه انگیز باز می دارد. امام علی علیه السلام در این باره می فرماید:

إِذَا اسْتَوَلَى الْفَسَادُ عَلَى الزَّمَانِ وَأَهْلُهُ فَأَحْسِنَ الرَّجُلُ الظَّنَّ بِرَجُلٍ فَقَدْ غَرَّرَ.<sup>۷</sup>

هر گاه فساد و ناراستی بر روزگار و مردم چیره شده، هر گونه خوش بینی، ساده اندیشی است.

### پیام متن:

مؤمن از ساده اندیشی به دور است و از خوش گمانی بی جا به دیگران می پرهیزد.

## ریشه های بدگمانی

### ۱. وسوسه شیطان

شیطان، دشمن قسم خورده و آشکار انسان است که خداوند در قرآن بارها به دوری از آن و گفته های او تأکید کرده و از انسان ها خواسته است، فریب شیطان را نخورند. همو که بندگان خدا را از بندگی باز می دارد و گناهان آنان را زینت می دهد تا متوجه زشتی آن نگردند. یکی از کارهای شیطان، بدگمان ساختن مردم به یکدیگر است. شخص بدگمان بر اثر زینت دهی های شیطان گاهی فریب می خورد، از بدگمانی خود حمایت می کند و خود را زرننگ تر و باهوش تر از دیگران می شمارد. این گونه افراد، به دلیل و برهان های باطل خود یقین می یابند و ارشادگران خود را حسود و بدخواه می پندارند. بی گمان بدگمانی هایی که ریشه در وسوسه شیطان دارد، جز پیامدهای منفی و زیان های آشکار، چیز دیگری در پی نخواهد داشت.

### پیام متن:

شیطان از وجود اعتماد میان افراد جامعه سود نمی برد. در نتیجه، همواره به ایجاد بدگمانی در میان مردم، دامن می زند.

### ۲. شایعه

یکی از ریشه های بدگمانی به افراد، شایعه پراکنی برضد آنهاست.

یکی از نمونه های این کار ناپسند، در قرآن کریم در داستان «أفک» آمده است:

<sup>۶</sup> نهج البلاغه، نامه ۵۳.

<sup>۷</sup> محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۳۹۹.

إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِاللِّسَانِ وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ (نور: ۱۵)  
آن گاه که آن [بهتان] را از زبان یکدیگر می گرفتید و با زبان های خود چیزی را که به آن علم نداشتید، (از روی بدگمانی) می گفتید و این کار را ساده می پنداشتید. حال آنکه نزد خدا بس بزرگ بوده است.  
داستان از این قرار است که:

منافقان به یکی از همسران پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله تهمت بی عفتی زدند و شایعه ای ساختند و در مدینه پخش کردند. در نتیجه، عده ای از مسلمانان از این شایعه تأثیر گرفتند و به همسر پیامبر بدگمان شدند. این امر بر پیامبر گران آمد تا اینکه آیه ای نازل شد و منافقان و توطئه گران را رسوا و آنان را که این شایعه را پذیرفته بودند، سرزنش کرد.<sup>۸</sup>

### پیام متن:

تنها افراد زودباور و شتاب زده، با پذیرفتن شایعه، به دیگران بدگمان می شوند.

### ۳. هم نشینی با بدان

انسان، خواه ناخواه از هم نشین خود اثر می پذیرد. از این رهگذر، در آموزه های دینی دستورهای فراوانی درباره هم نشینی با خوبان و پرهیز از هم نشینی با بدان آمده است. برای نمونه، از حضرت علی علیه السلام درباره یکی از زیان های هم نشینی با اهل شر آمده است:

مُجَالَسَةُ الْأَشْرَارِ تُؤَثِّرُ سُوءَ الظَّنِّ بِالْأَخْيَارِ.<sup>۹</sup>

هم نشینی با بدان، سبب بدگمانی به خوبان می شود.

از امام صادق علیه السلام نیز نقل است که فرمود:

مَنْ جَالَسَ أَهْلَ الرِّيبِ فَهُوَ مَرِيبٌ.<sup>۱۰</sup>

کسی که با اهل شک و گمان بد هم نشینی کند، از آنها می شود.

### پیام متن:

انسان، از نفس انسان های نااهل اثر می پذیرد. در نتیجه، از خوبان فاصله می گیرد و به آنان بدبین می شود.

### ۴. خود را در معرض تهمت قرار دادن

گاهی رفتارهای انسان در جامعه، به گونه ای است که بدگمانی دیگران را درباره او به دنبال دارد. از این رو، اهل بیت علیهم السلام ما را از انجام دادن چنین رفتارهایی نهی کرده اند. برای نمونه، گاهی رفت و آمد با برخی افراد که چهره پذیرفته و شایسته ای میان جامعه ندارند، سبب می شود دیگران درباره شخص، بدگمان شوند و او را نیز مانند آنان بدانند. همچنین خلوت کردن با نامحرم که بدون شک، بدگمانی دیگران را به همراه خواهد داشت.

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

مَنْ وَضَعَ نَفْسَهُ مَوَاضِعَ التُّهْمَةِ فَلَا يُلُومَنَّ مَنْ أَسَاءَ بِهِ الظَّنَّ.<sup>۱۱</sup>

کسی که خویش را در جایگاه تهمت قرار می دهد، نباید کسانی را که به او بدگمان شدند، سرزنش کند.

### پیام متن:

هر گاه خود را در معرض بدگمانی دیگران قرار دادیم، خود را در این بدگمانی دیگران سرزنش کنیم، نه دیگران را.

### ۵. ترس و ضعف نفس

افکار و خیال های باطل، در افراد ترسو بیش از دیگران پرورش می یابد. از نگاه این گونه افراد، برخی امور سطحی و بی اهمیت؛

<sup>۸</sup> سید محمد حسین طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۹۶.

<sup>۹</sup> محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۹۷.

<sup>۱۰</sup> همان.

<sup>۱۱</sup> نهج البلاغه، حکمت ۱۵۹.

بزرگ و خطرناک جلوه می کند و عامل بدگمانی در آنان می شود. برای نمونه، شخص ترسو گاه گمان می کند، دیگران برای نابودی یا به ضرر او نقشه می کشند؛ می خواهند او را فریب دهند، اموالش را ببرند، از او بدگویی کنند. در واقع، عامل همه این گمان های ناروا و بی دلیل، چیزی نیست، جز ضعف نفس و ترس که او برای دفاع از خویشتن، به این بدگمانی های موهوم دست می آویزد. در نتیجه، به کارهای ناشایست اقدام می کند. چه زیبا فرموده است امیر مؤمنان علی علیه السلام که:

مَنْ لَمْ يَحْسَنْ ظَنَّهُ اسْتَوْحَشَ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ.<sup>۱۲</sup>

کسی که گمانش نیکو نباشد (بدگمان باشد)، از هر کسی وحشت می کند. از این رو، یکی از ریشه های بدگمانی، ترس و وحشت از دیگران است.

### پیام متن:

از پی آمدهای ضعف نفس و ترس، بدگمانی به همه کس و همه چیز است.

### ۶. بخل ورزیدن

بخل، پی آمدهای منفی بسیاری دارد. یکی از آنها بدگمانی به خداوند است که از بدترین نوع بدگمانی ها به شمار می آید. بخیل، می پندارد که با احسان و کمک به نیازمندان، روزی اش قطع می شود. این کار او، بدگمانی به خدای رزاق و روزی دهنده جهانیان است. علی علیه السلام می فرماید: «الْبُخْلُ بِالْمَوْجُودِ سَوْءُ الظَّنِّ بِالْمَعْبُودِ؛ بخل ورزیدن به آنچه [و در دست انسان است] بدگمانی به خداوند است».<sup>۱۳</sup>

### پیام متن:

برای زشتی بخل، همین دلیل بس که بینش درست به خداوند را از انسان می گیرد و او را به پروردگار، بدگمان می سازد.

### ۷. دورویی و نفاق

دورویی و نفاق، یکی دیگر از عوامل بدگمانی انسان ها به یکدیگر است. فرد دورو دیگران را نیز مثل خود می پندارد. در نتیجه، همیشه در شک و تردید به سر می برد و به دیگران بدگمان است. افزون بر این، نفاق نه تنها سبب بدگمانی منافق به دیگران می شود، مردم را نیز به یکدیگر بدگمان می سازد. برخی از مردم سخنان منافقان را به راحتی باور می کنند و به اشخاص پاک و بی گناه بدگمان می شوند. علی علیه السلام می فرماید: «كُلُّ الْمُنَافِقِ مُرِيبٌ؛ هر منافقی بدگمان است».<sup>۱۴</sup>

### پیام متن:

مرا شیخ دانای مرشد شهاب

دو اندرز فرمود بر روی آب

یکی اینکه بر نفس، خوش بین مباش

دگر اینکه بر غیر، بدبین مباش (سعدی)

## پی آمدهای بدگمانی

بدگمانی، پی آمدهای زیان بار اخروی و دنیوی در زندگی فردی و جمعی به همراه دارد. این حالت منفی روحی، امنیت و آرامش را از فرد می گیرد، سبب گوشه گیری و تنهایی او می شود و اعتماد به نفس و آرامش روانی او را بر هم می زند. پی آمدهای منفی بدگمانی، تنها متوجه خود فرد نیست، بلکه جامعه را نیز دربردارد و این مسئله، نظام اجتماعی و خانوادگی را

<sup>۱۲</sup> ابن تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۵۹.

<sup>۱۳</sup> همان، ص ۴۵۹.

<sup>۱۴</sup> همان، ص ۴۵۹.

آشفته می سازد. برخی از مهم ترین آثار اجتماعی بدگمانی، عبارتند است از: سلب امنیت و آرامش از خانواده و جامعه، رواج بی اعتمادی در جامعه، کم رنگ شدن دوستی ها و محبت ها و تبدیل آن به دشمنی، رواج رذیلت های اخلاقی مانند غیبت، تهمت، عیب جویی، بغض و کینه، روی آوردن فقر و تنگ دستی و از میان بردن سلامت و امنیت روانی جامعه.<sup>۱۵</sup>

#### پیام متن:

پیشوایان دین، بر پرهیز از بدگمانی و زشت و گناه شمردن آن، با در نظر داشتن پی آمدهای منفی آن، بسیار سفارش کرده اند. این ویژگی منفی روحی، آخرت فرد و روان و اخلاق او و سلامت جامعه را هدف قرار می دهد و پیوندهای اجتماعی را سست و آسیب پذیر می سازد.

مرا شیخ دانای مرشد شهاب

---

<sup>۱۵</sup> سید محمد شجاعی، بدگمانی ریشه فتنه ها و اختلاف ها، ص ۱۰۷.